

چهارشنبه ۲۵ / ۸ / ۱۴۰۱ جلسه ۳۳

موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / سجده بر مهر

کلام ما در بیان مصادیق تعظیم شعائر بود و عرض کردیم به حمل شایع صناعی اولین از شعائر که ما متعرض شدیم، شهادت ثالثه در اذان و اقامه بود.

به نظر ما ذکر شهادت ثالثه در اذان و اقامه استحباب دارد به خاطر ادله ای که گذشت، از جمله این ادله این بود که اذا قال احدکم لا اله الا الله محمد رسول الله، فليقل، من از این استفاده وجوب می‌کنم، یعنی وجوب ضمنی، اگر می‌خواهید اذان کامل گفته شود، اذان صحیح گفته بشود فليقل علی أمير المؤمنين، باید بگوید تا این جملات کامل بشود. بنده عرض می‌کنم از مثل این تعبیر استفاده می‌شود اگر اذان بخواند اذان باشد و اقامه بخواند اقامه باشد، شرطش این است که علی أمير المؤمنين در آن باشد، به علاوه الان به عنوان شعاری در عالم مطرح است، اشهد أن علیاً ولی الله ملاک اظهار تشیع است و اگر ما حذفش کنیم قطعاً و هن در مذهب لازم می‌آید، لذا حذفش جائز نیست و بنا بر عناوین ثانویه، باز اگر همه بنابر عنوان اولی واجب نباشد، لا اقل به عنوان ثانوی واجب هست. این خلاصه مطلب در مورد اشهد ان علیا ولی الله.

دومین مصداق از شعائر، سجده بر خاک و مشتقات زمین است غیر مأکول و ملبوس، این از شعارهای شیعه شده است و عدم سجده بر خاک و مشتقات زمین غیر مأکول و ملبوس مثل جامه و فرش و سجاده و امثال این ها شعار تسنن شده است، یعنی یکی از راه های شناخت شیعه و امامیه دوازده امامی این است که این ها یا فقط بر خاک یا مشتقات زمینی غیر مأکول و ملبوس سجده می‌کنند اما دیگران بر هر شی‌ای سجده می‌کنند که تازه آن ها را دیده ام که اگر سنگ فرشی جلوی شان باشد، سجاده شان را جلو می‌کشند تا بتواند روی این سجاده فرشی سجده کند، پس یکی از شعائر و شعارها و علامت های شیعه در حال حاضر سجده بر خاک و مشتقات زمین غیر مأکول و ملبوس هست.

اگر گفتیم سجده بر خاک بقیه مشتقات هم هست، رمل هست (ریگ) حجر هست (سنگ) ماسه هست، سنگ ریزه (حصاة) هست، این ها همه هست، اما مشتقات زمین غیر مأکول و ملبوس، باز معدنی ها مثل آهن و اینها را می‌گویند نمی‌شود و آن ها را کار نداریم. ما در اینجا مثال شایع را خاک قرار می‌دهیم که مهر هم قطعه ای از خاک است.

۳۷- وروی عن ابی محمد الحسن العسکری (ع) انه قال : علامات المؤمن خمس : صلاة الخمسين ، وزيارة الاربعين ، والتختم فی الیمین ، وتعفیر الجبین ، والجهر ببسم الله الرحمن الرحیم.^{۲۱}

در اینجا عرض کنیم که اولاً مرحوم شیخ در تهذیب جلد ۶ صفحه ۵۲ و مرحوم فیض در وافی جلد ۴ صفحه ۱۷۷ روایت مشهور از امام حسن عسگری علیه السلام را نقل می‌کنند که علامات المؤمن خمس، یک صلاة احدى و خمسين، ۵۱ رکعت نماز که ۱۷ تا از

۱. تهذیب الأحکام، شیخ الطائفة، ج ۶، ص ۵۲.

۲. الوافی، الفیض الکاشانی، ج ۴، ص ۱۷۷.

آن می‌شود فریضیه و ۳۴ تا نافله می‌شود. و زیاره الاربعین و التَّخْتُمُ بالیمین و تعفیر الجبین، و الجهر بسم الله الرحمن الرحیم. ما فقره چهارم فعلا مد نظر مان هست که تعفیر الجبین است.

در روایات ما نسبت به گذاشتن پیشانی روی خاک، اینقدر مهم هست که حتی این کار از علامت های مؤمن شناخته شده است. نکته مهمش این است که تسنن همه قائل هستند سجده بر خاک صحیح است، دعوا سر صحت سجده بر ما سوای خاک و مشتقات غیر مأكولی و ملبوسی است. همین اول کار ما نیازی به دلیل آوردن نداریم و آن ها نیاز دارند به دلیل اثباتی، ما می‌گوییم بر خاک و سنگ و سنگ ریزه و ماسه، سجده می‌کنیم، این را شما هم می‌گویید صحیح است، شما که بر فرش و اینها سجده می‌کنید دلیل بیاورید که حالا دلیل ها را بررسی می‌کنیم.

اینکه وهابی ها سجده بر مهر را شرک می‌دانند، خوب بدانند، سجده ما بر خاک سجده علی الشیء است نه سجده ی للشیء. ما به وهابی ها می‌گوییم شما که بر لباس سجده می‌کنید شما هم دارید لباس را می‌پرستید. می‌گویند نه، ما بر لباس سجده می‌کنیم برای خدا، ما می‌گوییم بر خاک سجده می‌کنیم برای خدا، بآنک تجرّ و بآئی لاتجرّ.

نکته اول

همه ما در مسجودّ له اتفاق نظر داریم و او خدای متعال است. در سوره مبارکه فصلت آیه ۳۷، ﴿لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا الْقَمَرِ، وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ﴾^۳. شیعه امامیه مسجود له را با مسجود علیه اختلاف دارند، شیخ طوسی می‌فرماید امامیه قائلند لا يجوز السجود الا على الأرض أو ما انتبتته الأرض، مما لا يأكل ولا يلبس، به شرط اینکه مأكول و ملبوس نباشد، لذا پنبه، کتان و امثال این ها چون ملبوس اند جواز سجده ندارند یا چیزی که خوردنی هست مثل میوه جات و پوست میوه و...، سجده بر آن ها جائز نیست.

نکته دوم

قَالَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ -لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبَرَنِي عَمَّا يَجُوزُ السُّجُودُ عَلَيْهِ وَعَمَّا لَا يَجُوزُ قَالَ السُّجُودُ لَا يَجُوزُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ أَوْ عَلَى مَا أَنْتَبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا أَكَلَ أَوْ لَبَسَ فَقَالَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ السُّجُودَ خُضُوعٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَلَى مَا يُؤْكَلُ أَوْ يُلَبَسُ لِأَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَ يَلْبَسُونَ وَالسَّاجِدُ فِي سُجُودِهِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ فِي سُجُودِهِ عَلَى مَعْبُودٍ ابْنَاءِ الدُّنْيَا الَّذِينَ اغْتَرَوْا بِغُرُورِهَا وَالسُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ أَفْضَلُ لِأَنَّهُ أَبْلَغُ فِي التَّوَاضُعِ وَالْخُضُوعِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۴

در دعائم الاسلام مرحوم صدوق سند دارند به جناب هشام بن حکم، انه قال لابی عبد الله عليه السلام، هشام گفت اخبرنی عما يجوز السجود عليه، من می‌خواهم اول مبنای امامیه روشن بشود بعد به بحث ها برویم.

علتی که در روایات گاهی گفته می‌شده است با این علت تامه ای که ما می‌گوییم متفاوت است، علت در آن جا شامل حکمت هم می‌شود، حضرت فرمودند، لأنَّ السجود خضوعٌ لله عزَّوجلَّ فلا ينبغي ان يكون على ما يأكل و يلبس، لأنَّ أبناء الدنيا عبيد ما يأكلون و

^۳. سوره مبارکه فصلت آیه ۳۷

^۴. لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۷۲.

یلبسون، مثلاً فرزندان دنیا برای این شکم برای این پست و ریاست، گاهی همه چیز را زیر پا می‌گذارند، و الساجد فی سجوده فی عبادۀ الله عزوجل فلا ینبغی ان یضع جبهته فی سجوده علی معبود ابناء الدنیا الذی اغترّوا بغرورها. وسائل جلد ۳ ابواب ما یسجد علیه باب اول حدیث اول. در این زمینه روایات متعدد است، یکی دو تای دیگر را بخوانم، ببینیم پس آن چه که امامیه قائل به آن هست، دلیل برایش داریم.

۱۱ - الحسن بن علی بن شعبه فی (تحف العقول) عن الصادق علیه السلام - فی حدیث - قال : وكلّ شیء یكون غذاء الإنسان فی مطعمه أو مشربه أو ملبسه فلا تجوز الصلاة علیه ولا السجود إلا ما كان من نبات الأرض من غیر ثمر ، قبل أن یصیر مغزولاً ، فاذا صار غزلاً فلا تجوز الصلاة علیه إلا فی حال ضرورة.^۵

بله اگر حال ضرورت شد، اشکالی ندارد. این حرف اول، در روایات ما الی ما شاء الله بر این مضمون اتفاق نظر است.

نکته سوم

در بحث سجده خود سجده به معنای وضع هفت قسمت بدن بر روی خاک. پیشانی یکی، دو تا کف دست سه تا، دو تا زانو پنج تا، دو نوک پا انگشت شصت هم می‌شود هفت تا، حالا بینی استحباب دارد.

از روایات سه مرحله استفاده می‌شود:

مرحله اول فقط بر خاک و زمین انجام می‌شده است.

مرحله دوم: ترخیص در سجده بر حُصْر و خُمَر مثل لیف خرما هست و حُصْر هم حصیرهایی است که در آن زمان بوده است.

مرحله سوم: سجده بر عمامه، یعنی عمامه را جلو بگذاری که در سجده، پیشانیمان بر این عمامه واقع بشود، پیشانی روی زمین واقع نشود، یا مثلاً این سر آستین، آستین را می‌گذاشتند و پیشانیشان را روی آن می‌گذاشتند یا دامن لباس عربی، پیشانی را روی این می‌گذاشتند. باز روایاتی از کتب تسنن خواهیم خوانند که حضرت رسول مکرم اسلام چقدر از این کار نقل می‌کردند، یا صحیب، از اصحابشان، تَرَبُّ وجهک، صورتت را روی خاک بگذار، پیامبر اکرم وقتی این ها عمامه شان را اینطوری می‌گذاشتند که وقتی سجده می‌کنند روی زمین نباشد پیشانی و نسوزد، یا دنباله و حنک عمامه را باز می‌کردند و روی زمین می‌گذاشتند که روی آن سجده کنند.

در روایات خود تسنن دارد که پیغمبر اکرم می‌آمدند و عمامه این ها را وسط نمازشان گاهی که رد می‌شدند و می‌دادند بالا، کنایه از اینکه سجده نباید روی ملبوس واقع شود. پیامبری که رحمه للعالمین هست، اگر سجده بر این ها جایز بود آیا این کار را می‌کردند؟ امر می‌کنند یا صحیب تَرَبُّ وجهک، خُمَر آمد، حُصْر آمد، در مرحله دوم اما در مرحله سوم، نه تنها بر البسه و امثال این ها دلیلی وارد نشد، بلکه بر عدم صحت و عدم جوازشان دلیل وارد شد، دلیل هایش را ما چندتایی برای شما می‌خوانیم. بزرگواران از دعائم الاسلام نقل می‌کنند.

۵. وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۵، ص ۳۴۶، ابواب ما یسجد علیه، باب ۱، ح ۶۷۵۰، ط آل البیت.

فصلی درباره دعائم الاسلام

در همین مقوله سجده من بهانه ای خواستم بگیرم که دعائم الاسلام را معرفی کنم. دعائم الإسلام و ذکرُ الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل الصلاه، اسم این کتاب این است. این کتاب را می‌دانید که در واقع باور های دینی اسماعیلیه را می‌گوید و شاید مهمترین کتاب قاضی نعمان در فقه همین هست و این کتاب را ایشان نوشت به سفارش خلیفه فاطمی المعزُ لدین الله. فاطمیین در مصر و سوریه و در آن مناطق بودند، الان هم شما که به مصر بروید غیر وهابی ها مسلمان های مصر نسبت به محبت اهل بیت تأکید دارند.

آن ها زیارت قبول را تأکید و ترغیب دارند، مثلاً شما فرض کنید مقام حضرت زینب سلام الله علیها که در آن جا هست کلی به زیارتش می‌روند و می‌گویند قبر حضرت زینب سلام الله علیها در مصر است، علی ای حال سلاطین فاطمی خدمتی به اسلام کرده اند حالا اشکالاتی هم داشتند و در جای خودش محفوظ، همچنان که سلاطین صفویه و سلاطین قاجاریه مخصوصاً صفویه خدمت های خوبی کرده اند به اسلام اما اشکالاتی هم داشتند.

از خصوصیات این کتاب دعائم الاسلام این است که تقریباً تمام ابواب فقهی را قاضی نعمان مصری متعرض شده است و باب اولی کتاب الولایه که برخی از مهم ترین باور های اسماعیلیه را در اینجا آورده است، علمای ما از کتاب دعائم الاسلام روایات فقهی را نقل می‌کنند البته از این باب که به عنوان مؤید، چون به عنوان دلیل نمی‌شود روی آن حساب باز کرد، از باب خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا، اما سند کتاب دعائم الاسلام چگونه است؟ اگر عمری باقی بود هفته آینده مفصل عرض می‌کنم.

از جمله روایات سنی ها مثلاً این روایت هست، خباب بن ارت نقل می‌کند، این روایتها در بین سنی ها در حد تواتر است، مجموعه این روایات که اول خاک و سنگ و این ها بوده است و بعد خُمُر و حُصُر از طرف پیغمبر اضافه شده است و بعد چیز های دیگر از طرف خود این ها اضافه شده است.

خباب می‌گوید شکونا الی رسول الله حرَّ الرَّمْضاء فی جباهنا، رَمْضاء یعنی داغی، ریشه رمضان از رَمْضاء است یعنی سوزان بودن، رمضان هم می‌گویند انسان تشنگی می‌کشد، می‌سوزاند و بدن می‌سوزد، یا نه گناهان را می‌سوزاند، لذا به ماه مبارک رمضان، رمضان می‌گویند. می‌گوید ما شکایت کردیم به پیغمبر اکرم ص داغی و گرمی آن حرارت را درپیشانی هایمان، بعد و اکفنا، یعنی دو کف دست ما، فلم یشکنا، اما به شکایت ما ترتیب اثر نداد.^۶

سنی ها از آقا امیرمؤمنان نقل می‌کنند می‌گوید اذا کان احدکم یصلی فلیحسر العمامه عن جبهته، اگر نماز می‌خوانید عمامه را از روی پیشانی باید کنار بزنید، امیر مومنین خلیفه که بوده اند لا اقل در نزد شمای تسنن.^۷

۶. الفقه علی المذاهب الخمسه، مغنیه، الشیخ محمد جواد، ج ۱، ص ۹۹.

۷. ثم احدثت (تحقیق وتعلیق مرکز الأبحاث العقائدیة)، التیجانی السماوی، محمد، ج ۱، ص ۱۳۸.

روایت دیگر، شکونا الی رسول الله باز به همان مضمون. خباب می گوید پیامبر اکرم ص به صحابی گفتند **الزق جبهتك بالارض**^۸، الزق یعنی بجسبان، بجسبان پیشانی ات را به زمین، چیز دیگری نگذار. به علاوه روایات متعدد دیگر که شیعه و سنی نقل کردند و در عصر پیغمبر اکرم و بعد از عصر پیغمبر اکرم اصل جواز سجده بر زمین مفروغ^۹ عنه بوده است، تا جایی که شیعه و سنی این روایت را از پیامبر عرض کردند و نقل کردند، جعلت لی الارض مسجدا و طهورا، سنی ها هم می گویند طهور آب هست و خاک، جعلت لی الارض مسجدا و طهورا، ارضی که زمینه طهور است، خاک است، طهور، زمینه طهور ترابی ارض است.

بعد ما اتفاقا به بعضی از مولوی های مهم می گفتم، در اینجا ارض به معنای چی هست برای طهور؟ می گفت به معنای خاک است، می گفتم چطور شد که در یک استعمال ارض به معنای خاک باشد برای طهور اما ارض برای سجده خاک نباشد، یا خاک باشد و چیز های دیگر. فلم یجبنی، جعلت لی الارض مسجدا و طهورا. ارض برای من طهور است، یعنی خاک، این که طهور است به عنوان سجده گاه است.

۸. الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، السبحانی، الشیخ جعفر، ج ۱، ص ۱۴۵.